

نگاه
<div><div>مسعود خطیبی</div></div>

اصلاح طلب، اصولگرا

سوار که شدم، راننده اسنپ سر حرف را باز کرد. جوانی بود ۲۴- ۲۳ساله که می‌گفت صبح‌ها در سنازمان آب کار می‌کند و همین موجب شد که صحبت از کم‌آبی و مدیریت آب، به سیاست و دولت و تظاهرات اخیر و… کشیده شود. لابه‌لای حرف‌هایم گفتم صدا و سیما هم با پوشش ندادن نکات مثبت و خدمات دولت روحانی، در این سیماهنمایی بی‌تقصیر نیست. گفت پس یعنی صدا و سیما دست اصلاح‌طلب‌هاست. آره؟ و وقتی با چشم‌مان گرد نگاهش کردم، گفت آهان، پس دست اون یکی‌هاست‌اصولگرا‌ها!

طبق آمار سایت رسمی ثبت احوال کشور، در فاصله سال‌های ۷۰ تا ۸۰، تعداد ۱۲۶۶۹۵۸ ولادت در کل کشور ثبت شده است. این یعنی وجود حدود سیزده میلیون جوان ایرانی بین ۱۷ تا ۲۶ سال، همین امروز. از طرفی معاون تنظیمی وزارت کشور یازدهم دی‌ماه اعلام کرد: «همیانگین سنی بیش از ۹۰درصد بازداشت‌شدگان نازرآمی‌های اخیر، زیر ۲۵ سال است». یعنی متولدین سال ۱۳۷۱ و بعد از آن، وزیر آموزش و پرورش هم در یازدهم بهمن از ۱۵۶ «هانش‌آموز بازداشتی» سخن گفت. اصطلاحی که شاید در ادبیات سیاسی پس از انقلاب جدید باشد و در حوادث سال‌های ۷۸ و ۸۸ چنین ترکیب واژگانی را نشنیده بودیم. وزرای علوم و بهداشت نیز بارها از پیگیری وضعیت دانشجویان بازداشت‌شده سخن گفتند و کار به آنجا رسید که در ۲۶ دی‌ماه، چهل نفر از نمایندگان مجلس، در نامه‌هایی جداگانه بر رئیس جمهور و رئیس دستگاه قضا، خواستار آزادی سریع تر دانشجویان بازداشتی، به ویژه دانشجویان دختر شدند.

وقتی همه این اما‌رها را کنار هم می‌گذاریم، به ترکیب بسیار جوان شرکت‌کنندگان در این نازآمی‌های رسمیم. شرکت‌کنندگان زیر ۲۵ سال، یعنی بانسلی مواجهیم که وقتی دولت اصلاحات کاروی آمد، ۵ سال سن داشته و هنگامی که دولت اصولگرای مهرورز قدرت را به دست گرفت، ۱۳ ساله بوده و وقتی دولت اعتدال کشور را با خزانه خالی تحویل گرفت، تازه از ۲۰ سالگی عبور کرده بوده‌این نسل با متولدین دهه‌های پنجاه و شصت تفاوت‌های اساسی دارد. تفاوت حکمرانی گروه‌های مختلف را از ابتدای انقلاب تا امروز، به دلیل سن و سال کم درک نکرده است و بنابراین «اصولگرا» و «اصلاح‌طلب» و «چپ» و «راست» برای او صرفاً کلماتی هستند که برای بازیگران کار آمده. «حکومت» استفاده می‌شوند و فرقی چندانی با هم ندارند. از دید او «هممشون دستشون توی یک کاسه است» و «همه سر یک سفره نشستان». شاید تلویز این ذهنیت را در شعاری بتوان دید که در نازآمی‌های اخیر داده می‌شود: اصلاح‌طلب، اصولگر ادیگه‌تومومه‌ماجر!

این برای دلسوزان کشور زنگ خطری جدی است. وقتی مردم -خودسانسل جوان- از بهبود اوضاع به دست جریان‌های عمده‌سیاسی داخل کشور ناامید سو خورده شوند و نیروهای درون نظام برای‌شان «سر» و ته یک کرباس بشوند، آینده به طرز عجیبی ترساک می‌شود. باید کاری کرد.

خبر

دادگاه اتهام اختلاس به مر تصویب را وارد ندانست

وکیل مدافع سازمان تأمین اجتماعی در پرونده سعید مرتضوی پس از پایان جلسه داد‌گاه تجدیدنظر مرتضوی در بخش تأمین اجتماعی، روند داد‌گاه را خوب توصیف کرد و گفت: داد‌گاه تا به حال اتهام اختلاس را به سعید مرتضوی وارد ندانسته و تصرف در اموال عمومی را مطرح کرده‌است.مرتضوی نظری گفت:متأسفانه آقای مرتضوی باز هم در جلسه داد‌گاه حضور نداشت و فقط وکلای وی حاضر بودند. این وکیل دادگستری در پاسخ به سوالی مبنی براینکه آیا عدم حضور مرتضوی در داد‌گاه تخلف نیست، گفت: این موضوع را باید داد‌گاه تشخیص دهد که عدم حضور ایشان چه عواقبی باید برایش داشته باشد. علی‌القاعده در پرونده‌های کیفری باید خود‌متهم حضور داشته باشد و در پرونده‌های حقوقی اشکالی ندارد و می‌تواند وکیل حضور داشته باشد.حالا چرا ایشان نیامده و بی‌توجهی کرده‌است‌رأ نمی‌دانیم.نظری ادامه داد: بنابر قانون موضوع تصرف اموال عمومی شامل این است که کسی از ماشین دولتی استفاده کرده باشد ولی قصدش تملک ماشین نیست و تنها از آن استفاده کرده‌است. اما باید توجه داشت فردی که پولی را برمی‌دارد و به دیگری می‌دهد یا خودش برمی‌دارد، دقیقاًاختلاس است. ایلنا



شرکت پره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه

شرکت پره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه در نظر دارد خدمات مناقصات به شرح جدول ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکتهای واجد صلاحیت واگذار نماید.

ردیف	موضوع	مبلغ سپرده/ریال
۱	نظافت و شستشوی ناوگان خط ۱ و نظافت پایانه‌های فتح‌آباد، علی‌آباد، پست‌های برق خط ۱، تعمیر و نگهداری متروواش و بادگیری و فضای سبز پایانه‌ها	۹۶۰۰۰۰۰۰۰
۲	نظافت و شستشوی ناوگان خط ۲ و نظافت پایانه‌های صادقیه، دردشت، پست‌های برق خط ۲، تعمیر و نگهداری متروواش و بادگیری و فضای سبز پایانه‌ها	۹۳۰۰۰۰۰۰۰
۳	نظافت و شستشوی ناوگان خط ۳	۳۷۰۰۰۰۰۰۰
۴	نظافت و شستشوی ناوگان خط ۴ و نظافت پایانه‌های کلاهدوز، پست‌های برق خط ۴، تعمیر و نگهداری متروواش و بادگیری و فضای سبز پایانه‌ها	۵۸۰۰۰۰۰۰۰

لذا اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می‌گردد به منظور دریافت اوراق مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر با واریز مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اسناد و پاکات مخصوص مناقصه به حساب جاری ۷۰۰۸۰۲۷۴۹۳۲۸ بانک شهر (شعبه امام خمینی(ره) کد ۲۶۴) در وجه شرکت پره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳/۱۱/۹۶ به نشانی: تهران – خیابان انقلاب اسلامی – تقاطع حافظ – شماره ۹۵۶ – طبقه پنجم – مدیریت امور قراردادها مراجعه نمایند. تحویل اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳/۱۱/۲۸ می‌باشد.

◀ تأیید می‌گردد اسناد مناقصه فقط بصورت حضوری و با ارائه معرفی‌نامه رسمی، اساننامه و آگهی آخرین تغییرات روزنامه رسمی قابل دریافت است.

◀ این آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار به چاپ رسیده و هزینه آن برعهده برنده مناقصه خواهد بود.

مجید انصاری در گفت و گو با «اعتماد» مطرح کرد انقلابی‌گری به فحش دادن نیست

زهیر موسوی

انقلاب اسلامی ایران در آستانه چهل سالگی قرار دارد و کسانی که در خط مقدم اصلاحات قرار داشتند امروز به عنوان جریان اصلاح طلب به فعالیت سیاسی مشغول هستند. پس از اتفاقاتی که در دی ماه رخ داد، بسیاری از چهره های اصلاح طلب اذعان داشتند که دیگر موافق هیچ انقلابی نیستند و باید راه اصلاحات را در پیش گرفت. «مجید انصاری» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو مجمع روحانیون مبارز در درباره رابطه اصلاحات و انقلابی‌گری معتقد است راه نجات کشور این روزها انقلاب نیست و ثمره انقلاب سال ۱۵۷ اصلاح پذیر است. او می‌گوید مخالفت اصلاح طلبان با انقلاب به معنای مخالفت با انقلاب سال ۵۷ نیست زیرا در آن سال تنها راه اصلاح کشور انقلاب بود.

■ **چرا اصلاح طلبانی که در سال ۵۷ در خط مقدم مبارزه با رژیم پهلوسی بودند، امروز با هر گونه انقلاب مخالف هستند؟**

این موضوع طبیعی است زیرا انقلاب راه‌حلی برای امروز یا هر چند سال نیست. ما باید درون ساختارهای موجود در قانون اساسی به دنبال حل مشکلات باشیم. حاکمیت وظیفه دارد بر اساس آرمان‌های انقلاب که در شعارهای مردم متجلی بود و در قانون اساسی تجلی پیدا کرد، آزادی‌های فردی، اجتماعی و مدنی را فراهم کند. خواسته اصلاح طلبان واضح روشن است. جریان اصلاحات خواهان اصلاح روند اداره کشور است. مشکلات زیادی در کشور وجود دارد و به عنوان نمونه می‌توان به مشکلات اقتصادی، معیشتی، بیکاری جوانان، عقب‌ماندگی کشور در برخی موضوعات، نرسیدن به اهداف، وجود موانع در برابر آزادی‌های مدنی و اجتماعی و فسادهایی که در برخی دستگاه‌ها وجود دارد، اشاره کرد. مردم مطالبات بچقی دارند اما راه‌حل این مشکلات انقلاب نیست بلکه اصلاح رو به جلو است. همه باید در تسریع این حرکت اصلاحی تلاش کنیم.مسئولان نظام در هر رده و سطحی باید همواره برای شنیدن اعتراض و انتقاد مردم گوش شنوا داشته باشند و به مطالبات جامعه توجه کنند.

■ **چرا اصلاح طلبان معتقدند انقلاب سال ۵۷ اجتناب ناپذیر بود؟**

بررسی انقلاب‌ها و واقعه‌های بزرگی که در جهان رخ داده از جمله انقلاب مردمی و بسیار بزرگ اسلامی در ایران نشان می‌دهد انقلاب‌ها یک شبه شکل نگرفته‌اند. انقلاب سال ۵۷ ریشه در یک سلسله علل و عوامل بسیار زیاد در طول تاریخ ایران داشته و اینگونه نبوده است که جمعی یک شبیه و یک ساله تصمیم بگیرند انقلاب کنند. فرآیند طولانی تحولات کشور و مطالبات انباشته شده مردم به صورت مداوم با در بسته، سد آهنین یا برخورد قهرآمیز حکام مواجه شد.

موضوع سبب شد که جامعه اعم از رهبران، نخبگان و حتی توده‌های مردم به این جمع‌بندی رسیدند که هیچ روزنه‌ای برای اصلاح و تغییر وجود ندارد و انقلاب تنها راه درگروگن‌سازی بنیادین و به هم ریختن ساختارهای قدرت و حکومت موجود است. ریشه اولیه و اصلی انقلاب اسلامی ایران قبل از سال ۴۲ بود. می‌توان گفت جرقه‌های اولیه انقلاب با انحراف انقلاب مشروطه توسط رضاخان و استقرار نظام استبدادی محمدرضاشاه زده شد. اما اگر ۱۵ خرداد ۴۲ را مبدا انقلاب بدانیم که حقیقتاً همین‌طور است، می‌بینیم امام خمینی نسل‌ها قبل از ۴۲ درصدد اصلاحات بودند. امام یک اصلاح‌طلب واقعی بود و گواه این موضوع نامه‌های زیادی است که ایشان به شاه نوشت یا سخنرانی‌هایی که پیش از سال ۴۲ انجام دادند. امام در نامه‌ها و سخنرانی‌های خود بارها به شاه تأکید داشتند که ما کار به سلطنت تو نداریم، کار به حکومت تو نداریم. ما می‌خواهیم تو عزیز باشی تو نمی‌خواهی عزیز باشی؟ تغییر اینچنینی در نامه‌ها و سخنرانی‌های امام زیاد است. امام به شاه توصیه می‌کردند دست از وابستگی بردار و استقلال کشور را پاس بدار. با دین مردم بازی نکن، آزادی‌های مردم را سلب نکن، مردم را سرکوب نکن. مجموعه‌ای از نصایح، پیشنهادات و

رژیم جدی‌تر شد. پس از وقایع ۱۹ دی جرقه اصلی انقلاب زده شد و مردم موجب شدند امواج خروشان انقلاب شکل گیرد. اوج گیری انقلاب در سال ۵۶ نتیجه رفتار حکومت شاه و مقاومت و برابر هر نوع اصلاح، آزادی و غیراندریشی بود در نتیجه انقلاب تنها گزینه نرسند و از طریق اعتصابات و تظاهرات هدف خود اصلاح برای وضعیت کشور و مردم بود.

■ **در میان صحبت‌های تان فرمودید که انقلاب راه‌حل نیست و باید از طریق اصلاحات مشکلات را حل کنیم. آیا مردم نشانه‌های اصلاحات امیدوار را می‌بینند؟**

حتماً دیده‌اند. مردم ایران هر گاه جدی به صحنه آمدند، تغییرات اساسی ایجاد کردند. در زمان جنگ تا زمانی که مردم به صحنه نیامده بودند، هر روز قطعه‌ای از سرزمین را از دست می‌دادیم اما وقتی که مردم با دست‌های خالی به میدان آمدند، در گام اول توانستیم همین مردم وقتی در سال ۷۶ به صحنه آمدند توانستند عزیزان را متوقف کرده و در گام دوم به عقب رانیم. عمره سیاسی کشور را برخلاف برنامه‌ریزی‌هایی که صورت گرفته بود، تغییر دهند و اقبای خاتمی را به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب کنند. در سال ۹۲ نیز بر خلاف اراده‌ای که وجود داشت، عمل کردند. بر اساس

دنیای اجترامی و فحاشی کنیم. نه! انقلابی‌گری به فیم درست و حرکت عقلانی مبتنی بر منافع ملی و اسلامی است. امروز انقلابی‌گری در اتحاد ملی، مهربانی و

■ **مسئولان نظام در هر رده و سطحی باید همواره برای شنیدن اعتراض و انتقاد مردم گوش شنوا داشته باشند و به مطالبات جامعه توجه کنند.**

■ **در سال ۵۶ نتیجه رفتار حکومت شاه و مقاومت در برابر هر نوع اصلاح، آزادی و غیر اندیشی بود در نتیجه انقلاب تنها گزینه اصلاح برای وضعیت کشور و مردم بود.**

■ **این را قبول دارم که مسیر اصلاح مسیر دشواری است. مانع اصلاحات بسیار جدی است اما ما هرگز ما یوس نیستیم و معتقدیم که مشکلات از طریق حضور مردم، مقاومت و همدلی نیروهای**

دلسوز قابل حل است.

■ **انقلابی‌گری متناسب با شرایط زمان و مکان تعریف می‌شود.**

■ **انقلاب اسلامی، انقلاب ایستایی نبود که مثلاً بگوییم بعد از چهل سال به کدام یک از اهداف مطرح شده رسیده‌است یا خیر؟ این انقلاب در مسیر تکامل هیچگاه متوقف نخواهد شد.**

آن اراده حسی شخصیتی همچون مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی رد صلاحیت شده بود تا قضا برای شخصیت‌های مورد نظر‌شان باز باشد اما مردم این فضا را تغییر دادند. این را قبول دارم که مسیر اصلاح مسیر دشواری است. مانع اصلاحات بسیار جدی است اما ما هرگز مایوس نیستیم و معتقدیم که مشکلات از طریق حضور مردم، مقاومت و همدلی نیروهای دلسوز قابل حل است. این را نیز در نظر داشته باشید که گام‌های بلندی به سمت اصلاحات برداشتیم و خدمات بزرگی صورت گرفته است. نباید تنها نیمه خالی لیوان را ببینیم. برداشتن گام‌های بلند رو به جلو در حوزه‌های مختلف ناشی از همین حضور تحول‌خواهانه مردم بوده‌است.

■ **وقتی از گام‌های رو به جلو در حوزه‌های مختلف صحبت می‌کنید منظور این است که اصلاحات در نهادهایی غیر از دولت نیز مورد انتظار است؟**

منظور از اصلاحات، یک گروه و دو گروه نیست. صحبت از انجام اصلاحات در ساختارها و روش‌ها است. مثلاً قوه قضاییه ما باید حتماً تغییرات اساسی در رفتار و کردار خود صورت دهد تا مردم اعتماد کنند. قوه قضاییه عادل، شجاع و مستقل می‌تواند اعتماد مردم را جلب کند. مثال دیگر صدا و سیما است. مردم مایل هستند که صدا و سیما به عنوان رسانه ملی عمل کند و نه به عنوان رسانه یک پاند و گروه افراطی. مردم می‌خواهند که در کار دولت کارشکنی نشود، مردم مایل هستند که روابط ما با دنیا بهبود یابد و سرمایه خارجی جذب شود. ما برای ایجاد اشتغال برای جوانان تاگزیر به سرمایه‌گذاری هستیم و سرمایه‌گذاری نیز بدون آرامش و تعامل با دنیا میسر نیست. مردم خواسته‌های مختلفی از جمله رفع مشکلات معیشتی، رفع فساد (فسادی که احیاناً در قالب رشوه، پارتی‌بازی، خویشاوندسالاری به جای شایسته سالاری، اشکالات اداری چه در دولت و چه در نهادهای دیگر وجود دارد) و… دارند. اینها چیزهایی نیست که قابل حل نباشد و با تکرار اراده مردم و تلاش مسئولان قابل حل است.

■ **در دهه هفتاد شاهد بودیم که جناح‌های راست و چپ سیاسی به جریان اصلاح طلب و اصولگرا تبدیل شد. در عین حال جریان اصولگرا قابل به این تقسیم‌بندی اصلاح طلب و انقلابی است. به عبارتی سعی می‌کند اصلاح طلبان را که در خط مقدم انقلاب اسلامی ۵۷ بودند به نوعی از انقلاب جدا کنند. چرا جریان اصولگرایان اصلاح طلبی و انقلابی‌گری تفاوت قائل می‌شود؟**

گفت و گوی روز

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۶، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۴۳۹، ۶ فوریه ۲۰۱۸، سال پانزدهم، شماره ۴۰۲۱



عادل با زباز اینترنا

من نمی‌دانم که منظور جریان اصولگرا از انقلابی‌گری چیست. انقلابی‌گری متناسب با شرایط زمان و مکان تعریف می‌شود. در سال ۵۷ وقتی رژیم شاه با همه توان در برابر مردم به میدان آمده بود و سرکوب را در دستور قرار داده بود، انقلابی‌گری این بود که مردم نرسند و از طریق اعتصابات و تظاهرات هدف خود یعنی سرنگونی رژیم شاه را دنبال کنند و همین اتفاق هم افتاد. انقلابی‌گری بعد از استقرار جمهوری اسلامی این بود که همه منافع شخصی را کنار گذاشته و روحیه فدakarی اول انقلاب را حفظ کنند. انقلابی‌گری همین بود که در هشت سال دفاع مقدس بسیاری از مردم، جوانان، دانشجویان و روحانیون دست از زندگی شخصی خود شسته و برای دفاع از کشور با دست‌خالی مقابل دشمن مسلح و متجاوز ایستادند. انقلابی‌گری در مذاکرات برایجام این بود تیم هسته‌ای ما که هجده ماه با کمال قدرت و اعتماد به نفس مقابل ۵۰۱ بایستد و از حقوق مردم دفاع کند. انقلابی‌گری امروز در این است که همه که هم در راه ر استای سرمایه‌گذاری، تولید و توسعه همکاری کنند تا کشور ما از کشورهای همسایه عقب‌نماند. انقلابی‌گری همیشه به این نیست که رگ‌زدن را کلفت کرده و صدا را بالا ببرند و در تریبون‌ها به این و آن فحش دهند. عده‌ای فکر می‌کنند که انقلابی‌گری فقط به تعره زدن است. به اینکه ما به همه

دنیای اجترامی و فحاشی کنیم. نه! انقلابی‌گری به فیم درست و حرکت عقلانی مبتنی بر منافع ملی و اسلامی است. امروز انقلابی‌گری در اتحاد ملی، مهربانی و همبستگی ملی، همکاری و تعامل داخلی، سعه‌صدر، نگاه امیدوارانه و جلو و مبارزه با عوامل یأس و ناامید است. انقلابی‌گری امروز در کار مضاعف برای پیشبرد کشور و رفع فقر و فساد است. هر تفسیر دیگری از انقلابی‌گری در این مقطع، گام نهادن در مسیر انحرافی و بی‌فایده‌است.

■ **انقلاب اسلامی سال ۵۷ در سال ۹۶ در آستانه چهل سالگی تا چه حد توانسته به اهداف خود دست یابد؟**

آرمان‌ها و اهداف نسبی هستند. همانطور که در نظامی یا حتی مسلمانان و عدالت‌خواهی دارای درجات مختلف است. مثلاً انسان تراز اولی مثل حضرت علی(ع) به لحاظ خصلت‌های شخصی، معنوی یا شاخص‌های زمامداری در جایگاهی استانه که ما در برابر آن هیچ هستیم. توجه داشته باشید که انقلاب اسلامی، انقلاب ایستایی نبود که مثلاً بگوییم بعد از چهل سال به کدام یک از اهداف مطرح شده رسیده است یا خیر؟ این انقلاب در مسیر تکامل هیچگاه متوقف نخواهد شد و باید همواره به سمت جلو و آینده بهتر حرکت کند. بطور نسبی در بسیاری از زمینه‌ها پیشرفت کردیم. بالاخره انقلاب اسلامی توانست سرنوشت کشور را به دست مردم بسپارد. نظام موروثی، دیکتاتوری و عقب‌مانده شهنشاهی را به نظام جمهوری تبدیل کند. درست است که در مسیر انتخابات با برخی از تفسیرهای نادرست از نظرات یا برخی مخادلات مواجه هستیم اما هنوز مردم هستند که نمایندگان را انتخاب می‌کنند، هنوز مردم هستند که با حضور پای صندوق رای رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند. در حوزه اقتصاد نیز پیشرفت‌های بزرگی داشتیم. در کشاورزی به خودکفایی رسیدیم. در صنعت نفت گام‌های بلندی برداشتیم. جمعیت سی و چهار، پنج میلیونی سال ۵۷ به ۸۶ میلیون نفر رسیده و در سطح رفاه عمومی از جمله توسعه، عمران و آبادی روستاها و شهرها، خدمات‌رسانی مثل آب، برق، گاز و… پیشرفت داشته‌ایم و وضعیت تا قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. نمی‌خواهم بگویم که نمی‌توانستیم بهتر از این عمل کنیم اما گام‌های بزرگی در حوزه فناوری، بهداشت و درمان و… برداشتیم. همین که امید به زندگی در کشور نسبت به اول انقلاب نزدیک به ۳۰ سال افزایش یافته است نشان از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در حوزه سلامت، بهداشت، رفاه و… دارد. متأسفانه این روزها برخی فقط به یأس می‌خوانند و در مقایسات خود بهترین‌های کشورهای دیگر را کنار برخی از کمبودهای کشور می‌گذارند. این در حالی است که همه کشورها دارای مشکلات و پیشرفت‌هایی هستند. ما نیز دارای پیشرفت‌ها و کمبودهایی بودیم و هستیم. صرفاً نیمه خالی لیوان را دیدن شرط انصاف نیست. از نسوی دیگر از خود مردمی رضای بودن نیز درست نیست. باید نقاط قوت خود را تقویت کرده و قصورها را نیز بپذیریم و در جهت رف آن بکوشیم. بنابراین معتقد هستم که انقلاب بطور نسبی در رسیدن به اهداف خود موفق بوده و هنوز راه‌های ناپیموده بسیاری دارد. به اعتقاد من انقلاب از طریق اصلاح مداوم می‌تواند به راه خود ادامه دهد.

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۶، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۴۳۹، ۶ فوریه ۲۰۱۸، سال پانزدهم، شماره ۴۰۲۱

کب و گفت

هاشمی به روایت هاشمی



روزنامه اعتماد مصاحبه مرکز اسناد انقلاب اسلامی با آیت‌الله هاشمی را روز نوزدهم دی منتشر کرد که ادامه آن به صورت روزانه منتشر خواهد شد. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در ادامه این مصاحبه در مورد اهداف کسانی که بعد از فوت آقای بروجردی به‌دنبال استفاده از فقدان یک مرجع قدرتمند متمرکز و تضعیف اسلام بودند؛ توضیحاتی داده‌بود که در شماره امروز می‌خوانید.

هدف صدور اعلامیه‌های بی‌در پی چه بود؟

اینها رشد داشتند می‌دادند. دیگر رهبری امام تبلور پیدا کرد. آنها هم می‌ترسیدند از یک رهبر سیاسی-مذهبی آن‌هم از تپ امام. آدم‌های آن طوری آنها همیشه از امام عصبانی بودند. این بود که عقلاشه پس گرفتند. منتها این پس گرفتن روحیه داد برای تحقق به خود پیروزی. مقدمه را برای برنامه‌های بعدی فراهم کرد که حالا باید در قسمت‌های بعدی…

سیاست آنها به چه‌سو گرایش داشت؟

اینها از زمان مصدق متهم بودند به امر یکایی بودن، بعد از قضیه افشار طوس و این طور چیزها که پیش آمده بود اینها آنمفهوم… بعد متهم بودند که اینها جنبه ضدشرقی داشتند، غربی بیشتر بودند البته اینها دیگر سال سال‌های بعد است که با اینها آشنا شدیم و بحث می‌کردیم. اینها با نهضت آزادی مخالف بودند و فکر می‌کردند نهضت آزادی مثلاً یک مقدار شرقی است. عملاً هم همین طورها بود یعنی عملاً اینها همیشه بیشتر می‌کشیدند به طرف سیاست‌های ضدشرقی. حساسیت را بیشتر آنجا نشان می‌دادند در توده‌های ما. چون حزب کمونیست و چون شوروی‌ها تأیید کردند یعنی تیریک گفتند به شاه قضیه رفتارم و بعدش اینها را خوب، توده‌ای‌ها همیشه به مثابه زبان شوروی عمل می‌کردند در ایران و در لویح شش‌گانه به خصوص به اصطلاح انقلاب سفید، یک چیزهایی بودی که توده‌ای‌ها نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند ظاهراً با اینها مخالفت کنند خیلی. آن روزهای اول موضع روشنی لاقل برای ما نداشتند. من نمی‌دانم که مجامع مخفی اینها چه کار می‌کردند. بعداً دیگر، کم‌کم رادپوهای‌شان هم مخالفت با شاه و اینها، می‌کرد. به عنوان مثال «رادپو سرای ملی» و بعداً «رادپو پیک ایران» و اینها آنها این مسائل را از هم جدا می‌کردند، همه‌شان با اینکه روحانیت محور مبارزه نشود، مشترک بودند. این به نظر من در همه بود یعنی در غیراسلامی‌ها، در اسلامی‌ها مثلاً فداپایان اسلام اگر رفتی داشتند خوب تأیید می‌کردند قضایا را. آن جریان‌هایی که با آیتا… کاشانی در بازار کار می‌کردند حالا به راه اسمی به اسم مذهب بودند اینها تأیید می‌کردند. آنها یک کسانی بودند که از دوستان آیتا… کاشانی بودند همکاری با ایشان می‌کردند بعد که مطرد شده بودند دیگر، شکست خورده بودند، آنها موثر بودند در مبارزه. بلندتر بودند از آن مذهبی‌هایی که تازه می‌خواستند وارد مبارزه بشوند، آنها سابقاً داشتند، اشاتر بودند. اینها می‌گیریم. به نظر ما این طوری بود که در صورت مختلف، بعد روی موضع کلی اینهاست حالا، تا بعداً برسم به مواردی که بیش می‌آید روی مورد‌ها هر می‌نیم. خوب ما در آستانه انقلاب سفید شاه قرار می‌گیریم. به نظر ما این طوری بود که دولت و شاه بطور کلی و آمریکا همه آنها در قضیه تصویب‌نامه حسابی شکست خوردند. البته آنها بعداً آن عقب‌نشینی خودشان را یک طوری توجیه کردند و دروغ هم می‌گفتند، می‌گفتند عقب‌نشینی تاکتیکی بوده برای اینکه آماده بشویم برای هجوم جدید. من این را قبول ندارم. البته آنها برنامه برای کارهای وسیع داشتند بعداً آن را شاید به عنوان مقدمه انجام دادند ولی عقب‌نشینی این عقب‌نشینی این طوری نبود که مثلاً ما چیز کردیم که اینها بیایند جلو و بعد سرکوب‌شان کنیم. نه، آن موقع فکر کردند که آمادگی کامل ندارند. در آن مورد شکست خوردند. روحانیت یکپارچه بود. اینها خودشان را آماده کردند و یک مقدار هم زمینه‌سازی کردند برای برنامه جدید. فکر کردند مردم اگر بناسنت درگیر بشوند… در این مکتل جنگل‌ها در گیر بشوند بهتر است. به حساب ظاهر هم عقلاانه بود. حالا می‌گوییم چرا عقلاانه بود. شما می‌دانید که این شعار انقلاب سفید به صورت ظاهر مسائلی را مطرح کرد که اگر یک دولت لاقل بی‌سابقه‌ای قضیه را مطرح می‌کرد ممکن بود خیلی از مردم را گول بزند ولی چون مردم شاه را می‌شناختند و وضع خانواده پهلوی و زندگی خود اینها و درباری‌ها و اطرافیان و کسانی که در نظام حمایت می‌کردند از نظام و مسائل را می‌دانستند اصلاً نمی‌توانستند باور کنند که نظام شاه آن شعارها را بدهد. مثلاً اصلاحات ارضی یا تقسیم کارخانه‌ها یعنی فروش کارخانه‌های دولتی به عنوان پشتوانه‌ای، یا ملی کردن جنگل‌ها. خوب، برای اینها این ططور چیزها وقتی که مطرح می‌کردند مردم می‌دانستند که اصلاً نظام باندهش ناند سرمایه‌دارها و زمین‌دارن بزرگ است. چطور می‌توانستند باور بکنند که تقسیم ارضی جزو این باشد. قیلام هم در دولت امینی این تقسیم ارضی را مطرح کرده بودند و یک مسائلی داشتیم از سلساق با اینها که می‌خواستند بگویم ملی کردند هر گوشه‌ای که جنگلی بود دست همین‌ها، دست خودشان بود. اینها می‌خواستند ملی کنند، باید خودشان دست بردارند. دست مردم که نبود جنگل که اینها بخواهند ملی کنند یا اینکه بیایند کارخانه‌ها را به عنوان پشتوانه چیز بفروشند. مردم بحق تفسیری می‌کردند از این کارها به اینکه مثلاً جنبه‌های ضد دینی دارد، جنبه‌های عوام‌فریبی دارد. دروغ می‌گویند اینها ولی اینها رفتند در سنگر مترقیین. تفاوت قضیه اینجا با آن دفعه مثلاً با قسم به خدا و قرآن و غیر اسلام مواجه بودیم.